

چگونه ویتکنشتاین بخوانیم

ری مانگ ویراستار مجموعه: سایمون کریچلی

ترجمه: همایون کاکا سلطانی



www.ketab.ir

سرشناسه: مانک، ری ۱۹۵۷ م. Monk, Ray • عنوان و نام پدیدآور: چگونه ویتگنشتاین بخوانیم/ ری مانک؛ ترجمه همایون کاکاسلطانی؛ ویرایش علیرضا خالقی دامغانی. • مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۷. • نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۷ • مشخصات ظاهری: ۱۲۷ ص. • شابک: 4-605-185-964-978 • یادداشت: عنوان اصلی: How to Read Wittgenstein, 2005 • موضوع: ویتگنشتاین، لودویگ، ۱۸۸۹-۱۹۵۱ م. Wittgenstein, Ludwig • شناسه افزوده: کاکاسلطانی، همایون، ۱۳۵۲ - • مترجم: • رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ م ۲ و ۹ و B۳۳۷۶ • رده‌بندی دیویی: ۱۹۲ • شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۱۹۰۸۹

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان



نشرنی

چگونه ویتگنشتاین بخوانیم

ری مانک

مترجم: همایون کاکاسلطانی

ویرایش: علیرضا خالقی دامغانی

صفحه‌آرایی: الهه خلیج‌زاده

لینتوگرافی: باختر • چاپ: غزال • صحافی: غزال

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۷، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۵-۶۰۵-۴

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com • email: info@nashreny.com • nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار ویراستار مجسمه چگونه را خوانیم؟ چگونه باید خواند؟
۹	مقدمه
۱۱	۱. منطق، علم و تجارت
۲۳	۲. پاک کردن فلسفه در سه کلمه
۴۳	۳. به تصویر کشیدن جهان
۵۵	۴. گزاره چیست؟
۶۵	۵. فلسفه چیست؟
۶۷	۶. فروپاشی فرم منطقی
۷۵	۷. فلسفه‌ی نوین: رها کردن ناب بودن بلورمانند منطق
۸۳	۸. بازی‌های زبانی
۹۷	۹. آیا زبان خصوصی می‌تواند وجود داشته باشد؟
۱۰۹	۱۰. فهم روح نگارش ویتگنشتاین
۱۱۵	۱۱. فهمیدن دیگران، فهمیدن خودمان: شواهد ارزیابی ناپذیر
۱۲۳	گاه‌شمار زندگی ویتگنشتاین
۱۲۵	نمایه

پیشگفتار ویراستار مجموعه

چگونه بخوانیم را چگونه باید خواند؟

این مجموعه بر پایه‌ی فکری بسیار ساده اما تازه استوار است. بیش‌تر کتاب‌هایی که برای آشنایی مبتدیان با متفکران نوپسندگان بزرگ منتشر می‌شوند یا زندگی‌نامه‌هایی سرتوتهدارانه می‌دهند یا خلاصه‌هایی فشرده از نوشته‌های عمده‌ی ایشان، یا شاید هر دوی این‌ها چگونه بخوانیم، بالعکس، خواننده را همراه با راهنمایی‌های نویسنده‌ای کارشناس ورود بر روی خود نوشته‌ها می‌گذارد. نقطه‌ی آغاز این کتاب‌ها این فکر است که برای نزدیکی به آن‌چه مدنظر یک نویسنده است، باید به کلمه‌هایی نزدیک شوید که او در حین کار بسته است و باید بیاموزید که آن کلمه‌ها را چگونه بخوانید.

هر کتاب این مجموعه به نحوی به خواندن نوشته‌های یک متفکر در محضر استادی کار آشنا می‌ماند. هر نویسنده حدوداً ۱۰ قطعه‌ی کوتاه از کارهای تفکری را برمی‌گزیند، سپس موبه‌مو آن را حلاجی می‌کند تا اندیشه‌های محوری‌شان را باز نماید و بدین وسیله درهای ورود به کل یک جهان فکری را به روی خواننده بگشاید. این قطعه‌های برگزیده گاهی برحسب ترتیب زمانی‌شان آمده‌اند تا شمه‌ای از روند رشد و شکوفایی متفکر در بستر زمان به خواننده انتقال یابد؛

البته گاهی هم این ترتیب زمانی رعایت نشده است. کتاب‌ها فقط کشکول‌هایی حاوی مشهورترین بندهای آثار یک متفکر یا «بزرگ‌ترین موفقیت‌های» او نیستند بلکه مجموعه‌ای از سرنخ‌ها یا کلیدهایی را به خوانندگان ارائه می‌دهند تا بتوانند خود، ادامه‌ی راه را پیمایند و کشف‌های تازه کنند. افزون بر متن‌ها و تفسیرها، هر کتاب گاه‌شمار مختصری از زندگی‌نامه‌ی متفکر به‌دست می‌دهد. پیشنهادهایی برای مطالعه‌ی بیشتر، منابع اینترنتی و نظایر این‌ها. کتاب‌های مجموعه‌ی چگونه بخوانیم ادعا نمی‌کنند که تمام آن‌چه را می‌خواهید یا لازم دارید در آن‌ها می‌فروید، نیچه و داروین یا راستش شکسپیر و مارکی دو ساد بدانند؛ به شما خواهند گفت ولی بی‌شک بهترین نقطه‌ی شروع را برای کندوکاوهای آینده را آثار ایشان به شما نشان می‌دهند.

برخلاف روایت بی‌دست‌دوم موجود از ذهن‌های بزرگی که چشم‌انداز فکری، فرهنگی، دینی، سیاسی و علمی ما را شکل داده‌اند، چگونه بخوانیم مجموعه‌ی نشاط‌آفرینی از معاهده‌ی بی‌دست‌اول و بی‌واسطه با آن ذهن‌های بزرگ را پیش می‌نهد. امید داریم که این کتاب‌ها، به‌نوبت، به شما درس دهند، سرشوق‌تان آورند، ترس‌تان را بریزند، به شما جسارت دهند و لذت‌تان بخشند.

سایمون کریجلی

مدرس و مدیر مطالعات اجتماعی، نیویورک

مقدمه

لودویگ ویتگنشتاین، نا-توانی همگانی، یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین فیلسوفان قرن بیستم است. معنای این توافق در همین جا متوقف می‌ماند. مسئله‌ی چگونه خواندن او، از انتشار نخستین کتابش یعنی *رساله‌ی منطقی-فلسفی* در سال ۱۹۲۱ به بعد، باعث بگ-مگوی فراوانی شده است. هیچ اتفاق نظری وجود ندارد که *تراکتاتوس* را چگونه باید تفسیر کرد، اثر بعدی‌اش یعنی *پژوهش‌های فلسفی* را چگونه باید خواند، و آنچه اندازه پژوهش‌ها *تراکتاتوس* را بی‌اعتبار می‌سازد.

در این شرایط، انتشار کتابی موسوم به *چگونه ویتگنشتاین* *حوال* بی‌اندازه جسورانه است. برای این کار پیشاپیش عذرخواهی می‌کنم و می‌خواهم این نکته را روشن کنم که آنچه من در این‌جا عرضه می‌کنم فقط یک شیوه‌ی ممکن خواندن ویتگنشتاین است.

گزیده‌های نوشته‌های خود ویتگنشتاین که در زیر نقل می‌شوند و مورد بحث قرار می‌گیرند، عمدتاً به ترتیب گاه‌شماری مرتب شده‌اند و من در لابه‌لای تفسیر خودم برخی جزئیات زندگینامه‌ای را نیز به‌دست می‌دهم. در عین حال، شروع با یک خلاصه نیز می‌تواند سودمند باشد.

ویتگنشتاین به سال ۱۸۸۹ در یکی از ثروتمندترین خانواده‌های امپراطوری اتریش-مجارستان در وین به دنیا آمد. پدرش یکی از صاحبان صنایع بود که کل صنعت آهن و فولاد اتریش را عملاً در تملک داشت. ویتگنشتاین تحت تأثیر پدرش مهندسی خواند، ابتدا در برلین و سپس در منچستر، اما پس از آن مسحور مسائل فلسفی شد و در پاییز سال ۱۹۱۱ برای مطالعه نزد راسل به کمبریج آمد. بلافاصله شاگرد محبوب راسل شد و راسل به او به منزله‌ی راه‌حلی برای مسائل لاینحل فلسفه‌ی منطق می‌نگریست. ویتگنشتاین در سال ۱۹۱۳ کمبریج را ترک کرد تا به‌تنهایی در نروژ زندگی کند، به این امید که این انزوا کمک‌حال تمرکزش باشد. پیش از بازگشت به وین، در آستانه‌ی جنگ جهانی اول یک سالی در نروژ گذراند و درباره‌ی منطق اندیشید.

در خلال جنگ در اتریش به خدمت نظام مشغول شد و در پایان جنگ به اسارت ایتالیایی‌ها درآمد تا آن زمان *رساله‌ی منطقی-فلسفی* را به پایان رسانده بود، هرچند این کتاب تا سال ۱۹۲۱ منتشر نشد. ویتگنشتاین با این طرز فکر که در *تراکتاتوس* همه‌ی مسائل فلسفی را حل کرده است، فلسفه را رها کرد و آموزگار مدرسه شد. دوره‌ی معلمی در تریانه، ناموفق و فلاکت‌بار بود. در سال ۱۹۲۶ به معماری روی آورد، این دوره پیش از بازگشت به کمبریج در سال ۱۹۲۹ و کار مجدد بر روی فلسفه بود. او در این دوره متقاعد شد که *تراکتاتوس* راه‌حل نهایی همه‌ی مسائل فلسفی را به‌دست نداد است.

ویتگنشتاین از سال ۱۹۲۹ تا زمان مرگش در سال ۱۹۵۱ سرری نویین فلسفیدن را که در تاریخ این موضوع بی‌سابقه بود، طرح‌ریزی کرد. این شیوه‌ی نوین می‌کوشد به این بینش *تراکتاتوس* وفادار بماند که فلسفه نمی‌تواند یک علم یا چیزی شبیه آن باشد. فلسفه نه یک مجموعه‌ی آموزه، بلکه یک فعالیت است؛ فعالیت شفاف‌سازی ابهامات حاصل از افسون‌های زبان. به نظر من این درک از موضوع بنیادی‌ترین و مهمترین سهم ویتگنشتاین در فلسفه است.